در تاریخ ۰۲ بهمن ۱۴۰۰
خارج اصول فقه- دور دوم(1400-1401)

جلسه 50

صفحات 55 و 56 : کلیک کنید

متن پیاده سازی شده جلسه پنجاهم خارج اصول فقه (دور دوم) 2 بهمن ماه 1400

بسم الله الرحمن الرحیم

نکته اخلاقی: در عظمت عالم

عن أنس عن رسول اللّه صلي الله عليه و آله : ألا أُخبِرُكُم عَن أقوامٍ لَيسوا بِأَنبياءَ ولا شُهَداءَ ، يَغبِطُهُم يَومَ القِيامَةِ الأَنبياءُ وَالشُّهَداءُ بِمَنازِلِهِم مِنَ اللّهِ عز و جل ، عَلى مَنابِرَ مِن نورٍ يَكونونَ عَلَيها ؟ قالوا : مَن هُم ؟ قال : الَّذينَ يُحَبِّبونَ عِبادَ اللّهِ إلَى اللّهِ ، ويُحَبِّبونَ اللّهَ إلى عِبادِهِ ، وهُم يَمشونَ عَلَى الأَرضِ نُصَحاءَ . قالَ : قُلنا : يُحَبِّبونَ اللّهَ إلى عِبادِ اللّهِ ، فَكَيفَ يُحَبِّبونَ عِبادَ اللّهِ إلَى اللّهِ ؟! قالَ : يَأمُرونَهُم بِحُبِّ اللّهِ ، ويَنهَونَهُم (يَعني عَمّا كَرِهَ اللّهُ) ، فَإذا أطاعوهُم أحَبَّهُمُ اللّهُ

چرا عالم دینی اینقدر عظمت دارد؟

1: او درس خوانده و با معارف دین آشنا شده

2: تصور او نسبت به خداوند و معاد و پیامبر و امام و ... بهتر از تصور دیگران است

3: به خاطر عمل او که اهل عبادت و زهد است و فعالیت های علمی او و ترک دنیا و تبلیغ دین و ...

همه موارد در عظمت عالم سهیم اند اما آنچه اساس کار است و به عالم عظمت بخشیده است برای ترویج و تبلیغ دین خداوند است. که البته تبلیغ منحصر در ماه رمضان و محرم و منبر نیست بلکه به هر نحوی از انحاء که دین را ترویج و تبلیغ نماید.

در روایتی که در طلیعه آمد پیامبر می فرماید چون علما مردم را به آنچه موجب محبت داشتن به خداوند می شود امر می کنند و ... این اثر تبلیغ است و نفرمود چون خیلی نماز می خوانند و زاهد هستند و تصورشان از خدا و رسول و معاد بهتر است به آنها غبطه می خورند. البته آن مواردی که بیان شد از درس خواندن و زهد و ... اینها زمینه ساز تبلیغ است که باید باشد اما نقطه کانونی و محوری تبلیغ است. لذا اگر عالمی بود که دایرة المعارف اصطلاحات بود یا عالم ذی الفنون بود یا دائم الصلاة بود اما تبلیغ دین نمی کرد محل غبطه علما و شهدا نیست.

نکته دیگر اینکه تبلیغ در عین اینکه این برکات را دارد، آسیب ها و بایسته هایی دارد که باید به آن توجه کرد:

اولا اینکه برخی از آسیب ها مخفی است اما برخی از آسیب ها و آثار مخرب آن عیان است. گاهی انسان یک مطلب علمی می گوید که اشتباه است که عالم بالاتری متوجه اشتباه بودن آن می شود یا گاهی یک فتوایی اشتباه بیان می شود اما گاهی مطلبی که از واضحات است اشتباه بیان می شود که اساسا قابل دفاع نیست. مبلغ نباید آماری را که کذب بودن آن مشخص است و موجب خنده و تمسخر دیگران می شود ارائه کند. مبلغی می گفت که امیر مومنان وارد خانه شدند دیدند یخچال خالی است به فاطمه زهرا س گفتند که چرا به من نگفتید که مواد غذایی تهیه کنم و حضرت زهرا فرمودند من خجالت می کشم. اولا این یخچال گفتن که سبق لسان است که نباید از این کلمات استفاده کرد. ثانیا وقتی یک خانمی برای بچه ها به غذا نیاز دارد به جز شوهر به چه کسی باید بگوید؟ آیا فضیلت حضرت زهرا در این است که این موارد را به شوهر نمی گفت؟ بله مانند برخی بانوان مرتب لیستی از خرید به شوهر تحمیل نمی کردند و فشار نمی آوردند اما کمال حضرت در این نیست که به شوهر نگوید از مواد غذایی خالی است. کمال زن در این است که به شوهر فشار نیاورد و موقعیت اقتصادی شوهر را درک کند. اگر هم این مطلب را جایی نوشته باشند که نمی توان گفت هر مطلبی هر جایی قابلیت نقل دارد پس نقش عقل چه می شود؟ این زندگی نمی تواند الگوی ما باشد در حالیکه ما می خواهیم زندگی حضرت زهرا را به عنوان الگو به جهان معرفی کنیم. نباید کاری کرد که اهل

بیت را با بی دقتی خودمان از حالت الگو بودن خارج کرد. باید عقل را کنار تاریخ و روایت آورد.
دومین مساله بحث سلیقه است: ما وقتی می خواهیم فضیلت امام باقر ع را بیان کنیم چرا باید بگوییم امام باقر ع زبان حیوانات را بلد بودند و دو کبوتر آمدند و کبوتر نر از ماده شکایت داشت که او به من خیانت کرده بعد امام فرمود نه خیانت نکرده و اینها رفتند و مشکلشان حل شد؟ بعد مرتب تاکید کنیم که این روایت است و در اصول کافی است و ... .
وقتی کسی از امام باقر ع بخواهد معجزه بگوید زندگی حضرت سراسر معجزه است کلام حضرت معجزه است اینها را باید باز کرد. بعد این مسائل در این فضای مجازی پخش می شود و عده ای نقد می کنند و عده ای فحاشی می کنند و ...
ما مدافع تراث هستیم اما خبر واحد در این موارد حجت نیست و علما فرموده اند خبر واحد در بیان احکام حجت است نه بیان غیر احکام. سوال این است که آیا می توان هر مطلبی را در هر زمانی گفت؟ این میراث مجانی به دست ما نرسیده که ما به این شکل به آن چوب حراج بزنیم.
ما باید برای تبلیغ دین باید دنبال بهانه باشیم نه اینکه برای تبلیغ نرفتن عذر تراشی کنیم اما با سلیقه و رعایت شرایط آن و در نظر داشته بایسته ها و آسیب ها.
گاهی دیده شده مبلغ می خواهد مطلبی را بیان کند و مثلا صله رحم را بیان کند و تاکید کند. آیا برای جا انداختن این مطلب باید از چند گناه دیگر قبح زدایی کرد؟ باید گفت صله رحم زمانی خوب است که مجلس بدون گناه باشد بدون غیبت و تهمت و ... باشد نه اینکه به هر قیمتی صله رحم انجام شود. نباید گفت هر جمع شدنی ارزشمند است حتی برای شرب خمر این قبح زدایی از یک گناه کبیره است.
ما توده عظیم روحانیون و مبلغان و اساتید داریم و وقتی این ظرفیت را داریم باید از آن نحو احسن برخوردار شد.
□□□

ثالثا فتوای اجتماعی در حق خودش و مقلدانش اعتبار دارد مگر اینکه به عنوان ثانوی باشد مثل اینکه مصلحت اقتضاء بکند یا نظم اجتماعی به هم بخورد

رابعا در فتوای اجتماعی فقیه انشاء نمی کند بلکه حکم خدا را می گوید

خامسا اگر کسی با فتوای اجتماعی مخالفت یا موافقت کند با خدا مخالفت و موافقت کرده نه با فقیه

خلاصه بحث: فتوای اجتماعی با حکم حکومتی متفاوت است: حکم حکومتی از شأن حاکم شرعی فقیه است اما فتوای اجتماعی از شأن صاحب فتوا بودن او/ حکم حکومتی در واقعه خاص است اما فتوای اجتماعی کلی است/ حکم حکومتی در حق همه لازم الاجراست اما فتوای اجتماعی در حق فقیه و مقلدانش قابل اجراست/ مخالفت و موافقت با حکم حکومتی مخالفت و موافقت با حکم کننده است اما در فتوای اجتماعی مخالفت با خداوند است/ حکم کننده حکم حکومتی را انشاء می کند اما در فتوای اجتماعی انشاء نمی کند و حکم خداوند را می گوید.